آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« برای اشتراک »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوازده صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان خیام جنب کوچه حمام [illegible])

آژیر روزهای یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

دشنام - چاپلوسی

[illegible] و تملق هر دو مذموم است هر دو [illegible] است هر دو [illegible] روی [illegible] از قدیم خبر [illegible] منظور دور شدن از [illegible] امور و واقعیات است. فحش [illegible] در ذکر معایب و چاپلوسی و [illegible] در بیان محامد است. هر دو [illegible] شباهت دارد. وقتی [illegible] سقوط بطور دائم [illegible] افزوده میگردد [illegible] که فحاش [illegible] در [illegible] ذکر [illegible] و تملق [illegible] در این مرحله [illegible] مداح را [illegible] میتوان خواند [illegible] از حقیقت دور [illegible] نمیتوان فحاش گفت [illegible] میتوان گفت.

از این مقدمه بخوبی استنباط میشود [illegible] فحاشی [illegible] و تملق و چاپلوسی [illegible] است [illegible]

[illegible]

نخست برعلیه این مرض است. این یک مرض روحی عادی شده است.

آیا برعلیه چاپلوسی و تملق [illegible] از معانی است [illegible] و مصلحین خیر اندیش [illegible] و همیشه یک طرفی [illegible] در اندیشه این [illegible] فحش را همه مذموم میدانند [illegible] چیزی را که همه به مبارزه با آن کوشش [illegible] در مقابله فحاشی و دوره حکومت [illegible] (در حدود قانون) [illegible] خواهند [illegible] ولی برای تملق و چاپلوسی چه فکر کرده اید؟ چند روز پیش یک عکس خیلی عبرت آوری در یکی از مجلات مصور هفتگی چاپ شده بود. یکی در روزنامه هم اشاره به آن کرده.

همان مجله دو ماه پیش یک عکس دیگر عبرت آوری منتشر کرده بود. یکی از وزیران برای [illegible] قد خم کرده بود [illegible] از دوستان پرسید این چه [illegible] دارد گفتم تفسیر ندارد [illegible] و با [illegible] برده [illegible] تملق [illegible] این مرد [illegible] کرده و کمرش را [illegible] خم کرده است [illegible]

[illegible]

علم سیاسی و اقتصادی [illegible] - طرح [illegible]

آیا از بیکاری میتوان جلوگیری کرد؟

آیا از بیکاری میتوان جلوگیری کرد؟ پاسخ [illegible] مربوط [illegible] منظور [illegible] از جلوگیری از بیکاری چیست اگر مقصود این است که بیکاری را بکلی از بین برده و بهمه مردم [illegible] شغل یافته [illegible] بیکاری [illegible] گمان نمیکنم بیکاری را [illegible] از بین برد.

اولا مسئله بیکاری وجود دارد که [illegible] شغل [illegible] در [illegible] آن [illegible] کار [illegible]

روز ممکن است عده بیکار باشند ولی همیشه تعداد مشاغل [illegible] بیش از عده آن بیکارها خواهد بود بطوریکه هر فردی که [illegible] از کار خود دست بکشد [illegible] کار [illegible] خواهد یافت.

خطر کردن در زندگی

[illegible]

بیکاری فصلی

[illegible]

آزادیهای اساسی

[illegible]

علاج

[illegible]

بین دو جنگ

[illegible]

سطح کار

[illegible]

تفسیر اخبار داخله

آراء او لیامات

[illegible]

انتخابات تبریز

مطابق اطلاع واصله [illegible] انتخابات تبریز [illegible] ۲۰ بهمن آغاز خواهد شد.

اگر [illegible] حاصل و اشتغال [illegible] شود.

استاندار تبریز

آقای دادور (وثوق السلطنه) [illegible]

انتصاب کارگران تلفون

[illegible]

سی نفر افسر شوروی میروند

[illegible]

جلسه نمایندگان

[illegible] آن برعلیه آزادی مطبوعات ایراد شد [illegible] تبلیغات بود به دولت [illegible]

تلگراف!

از اصفهان

کمیته مرکزی حزب توده ایران [illegible] آزادی [illegible]

[illegible] حزب توده ایران [illegible]

از رضائیه

[illegible]

از لوجان

[illegible] توده ایران کمیته محلی لوجان [illegible]

تقاضا از مخبرین شهرستانها

از عموم خبرنگاران خصوصی و رسمی آژیر در شهرستانها و کارخانه ها و غیره تقاضا میشود در تنظیم خبرها نهایت دقت را ملحوظ داشته و بیطرفی و بیغرضی کامل را مراعات نمایند. در آینده اگر در خبرهای واصله برخلاف آرزوی [illegible] و [illegible] دیده شود [illegible] خصوصا به دوستان کارگر خود سفارش میکنیم که در تنظیم اخبار [illegible] را در نظر داشته و [illegible]

تصحیح غلطهای شماره پیش

در شماره گذشته [illegible] اغلاط [illegible] دیده میشد که [illegible] روزنامه از نظر [illegible] معذرت از خوانندگان خواهشمند است بشرح زیر تصحیح فرمایند.

صفحه ۱ ستون ۴ سطر ۳ بجای « مثل آن هنگار [illegible] » باید « مثل آن هنگار [illegible] » خوانده شود.

صفحه ۱ ستون ۳ سطر ۱ بجای « [illegible] » باید « [illegible] » خوانده شود.

مهمترین اخبار

[illegible] مهاجمین آلمانی [illegible]

[illegible]

تبعیضهای زیان آور

مردمان [illegible] تهران [illegible]

[illegible]

مهمترین خبرهای خارجی

اهمیت آپستلوو

مسکو - خبرنگار خبرگزاری شوروی گزارش میدهد ... شهر آپستلوو ... مرکز بزرگ راههای آهن ... نیروهای دشمن مقیم کریوارک و ... های مقیم نیکوپول ... و اسلحه و مهمات برای آنها فرستاده میشد.

در این اواخر که نیروهای ما در قسمتهای مختلف بحمله پرداخته بودند براهمیت شهر آپستلوو که ... راههای آهن ... شده بود زیرا آلمانیها ... مهمات خود را ... آهن از طرف آپستلوو وحمل و نقل میکردند و واحدهای جبهه سوم ... در قسمت شمال خاوری کریوارک ... حمله نموده و با کمک توپخانه ... صحرائی دشمن را ... از معاوب و مقاومت ...

ارتش سرخ نیکوپول را اشغال و تکیه گاه آلمانی هارا نیز نابود نموده است

اهالی فنلاند سخت عصبانی هستند

انجمن کشاورزی خاور میانه

پس از بمباران هلسینکی

اخبار گوناگون

عملیات زمینی

عملیات هوائی

آگهی مناقصه

کارخانه سیمان ... عدد ... تا ۲۰ میلیمتر و سه عدد ... تا ۱۲ میلیمتر را برای دستگاههای تراش ... خریداری مینماید.

شرکت کنندگان باید صدی پنج بهای پیشنهادی خود را به عنوان سپرده ... پرداخته وقبض سپرده آن را پیوست پیشنهاد خود ... ساعت ۹ صبح روز ۱۳۲۲/۱۲/۲۹ بدفتر کارخانه تسلیم ورسید دریافت دارند. پیشنهادهای رسیده درساعت ده صبح همان روز با حضور پیشنهاد دهندگان ... خوانده خواهد شد ... سپرده ... بنفع دولت ضبط خواهد شد واداره دررد وقبول پیشنهاد هامختار است.

ش ۲۶۶

اداره حسابداری کارخانه سیمان - وزارت بازرگانی

آگهی حصر وراثت

... بانو گلستان ... بشناسنامه شماره ... داده ... بشناسنامه شماره ۳۸۲۳ در تاریخ ۱۳۲۲/۲/۲۲ ...

نوبت سوم ۲۲/۱۱/۲۰

ترجمه کریم کشاورز — ۲۲ — نگارش جون بی پریستلی

تاریکی گرتلی

افسر پلیس گفت «شما گفتید که اودرخور مورد ... بود. آیا میتوانید بگوئید که چه کاری داشت.»

من حالت تعجب بخود گرفته گفتم «چطور؟ چه کاری داشت. من که گفتم درکارخانه بالون اسمیت کار میکرد.»

همب گفت: «داگر او فقط کارگر آن کارخانه بود پس در تاریکی ... بطور ساده کشته شده است.»

ابتدا من بمون ... گفتم «مقصودتان ازاین سخنان چیست؟»

او گفت «بنظر میرسد که شما از ... اطلاع دارید ... هائی میدانم. اگر آنچه را شما ... شاید بشما بگویم ... آری حتی ... خواهم گفت.»

من گفتم «خوب ... من اطلاع دارم که اولین (شاید هم اسم حقیقی او اولین نباشد) ... اداره ... کارخانه بالون اسمیت مشغول کار بوده. من ... رفتم که روابطی با او برقرار کنم وبااین کار موفق شدم.»

افسر پلیس گفت «آری. آنچه شما گفتید این راپورت را تائید میکند (اشاره بیادداشت کرد) حالا ... ببینم که شما در این کارها چه مداخلهٔ دارید؟»

من دفتر یادداشت را ...